

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسؤل ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکیریان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۵ اردیبهشت ۱۳۸۶، ۲۵ آوریل ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدالکیریان abdolgolparian@yahoo.com

فراخوان حزب کمونیست کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر

زنده باد اول مه! نه جنگ، نه جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم!



اول ماه مه روز همبستگی کارگران برای تغییر جهان وارونه سرمایه داری است. اینک در اوضاع بین بست "نظم نوین جهانی"، در دنیایی که زندگی و حقوق مردم هرروز در جنگ قدرت تروریسم اسلام سیاسی و تروریسم دولتی غرب له میشود، اول مه باید روز همبستگی کارگران و صف بشریت آزادیخواه علیه این قطب های ارتجاعی بورژوازی و برای یک دنیای بهتر باشد.

در ایران، جایی که اسلام سیاسی در قدرت است، طبقه کارگر میتواند نقشی کلیدی در مقابله با جنگ تروریست ها و تهدیدی که هم اینک با خطر حمله آمریکا به ایران، بر مردم ایران و جهان سایه افکننده ایفا کند. سرنگونی جمهوری اسلامی و

برقراری آزادی و برابری و حاکمیت مستقیم مردم فوری ترین و عملی ترین راه مقابله مردم ایران با تهدید جنگ است. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، یک سوی این

صفحه ۲

میزگردی با، محمد آسنگران، بهمن خانی، ناصر اصغری و منصور فرزاد، در رابطه با اول ماه مه

صفحه ۳

فراخوان اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه زنده باد اول ماه مه

صفحه ۲

به اعضای هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار اجازه ملاقات با محمود صالحی را ندادند



روز دوشنبه مورخه ۳/۲/۱۳۸۶ اعضای هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار از ساعت یازده صبح با در دست داشتن شاخه های گل سرخ به زندان مرکزی سنجند مراجعه کرده و خواهان ملاقات با محمود صالحی شدند، اما اجازه ملاقات با محمود به آنان داده نشد. همچنین به خانواده محمود و وکیل وی نیز امروز اجازه ملاقات با وی را ندادند. اعضای هیئت مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ضمن

ملاقات با خانواده محمود در مقابل زندان، تا ساعت ۳۰/۱۲ ظهر در آنجا به حضور خود ادامه دادند. در این ملاقات، هیئت مدیره اتحادیه ضمن ابراز همدردی با خانواده محمود بر عزم و اراده این اتحادیه در تلاش برای آزادی محمود صالحی تاکید کرده و مبلغ یک میلیون ریال کمک مالی علی الحساب اعضای اتحادیه توسط شیت امنی رئیس هیئت مدیره اتحادیه به همسر محمود صالحی تحویل شد.

* * *

تشدید احضار و بازداشت فعالین در شهرهای کردستان

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸

اول ماه مه روز جهانی کارگر را گرامی بداریم

امید سرخ

صفحه ۸

تاریخچه اول ماه مه



محمد امین کامانگر

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

فراخوان حزب کمونیست کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر . . .

جهانی را به دفاع از کارگران و مردم ایران در مقابل آمریکا و متحدینش به حرکت درآورد و جنبشی عظیم و جهانی برانگیزد.

اکنون جنبش انقلابی عظیمی علیه جمهوری اسلامی جریان دارد که طبقه کارگر ستون آنرا تشکیل میدهد و شعارها و مطالبات سوسیالیستی و آزادیخواهانه اش به لطف جنبش کمونیسم کارگری و حزبی دست بالا دارد. از اعتصابات وقفه ناپذیر کارگران تا اعتصاب سراسری اخیر معلمان که کل جامعه را به حرکت درآورده، از کوبیدن مهر "سوسیالیسم یا بربریت" بر اعتراضات دانشجویی تا طرح رادیکالترین مطالبات زنان در هشت مارس، از بالاگرفتن جنبش هایی نظیر دفاع از حقوق کودک و جنبش لغو اعدام با شعارهای چپ و سوسیالیستی تا خواندن

"انترناسیونال" سرود بین المللی کارگران در اجتماعات، همه و همه تأییدی بر نقش کلیدی است که طبقه کارگر و سوسیالیسم اش در اوضاع کنونی ایران ایفاء میکنند. طبقه کارگر در ایران میتواند و باید تحت پرچم حزبی در پیشاپیش مردم جمهوری اسلامی را سرنگون کند، و نه فقط خود، بلکه کل جامعه ایران و مردم جهان را از سرنوشت مدھشی که بن بست بورژواها و جنگشان میتواند بیافریند نجات دهد. اول ماه مه امسال باید قبل از هرچیز انعکاس همین عزم و اراده و دخالتگری کارگران برای تغییر اوضاع شد.

نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی جهت گیری اول مه امسال را بیان میکند. اما علاوه بر

مستقل برپا شود. اول ماه مه باید قدرتمندی طبقه کارگر و صف آزادیخواهی و برابری طلبی باشد. درست به دلیل حساسیت اوضاع، در آستانه اول مه رژیم از پیش به تکاپوی بی سابقه ای افتاده است. دستگیری فعالین کارگری، حمله به دانشجویان، حمله به زنان معترض به حجاب، حمله به کارگران مهاجر افغانستانی و حمله به معلمین و رهبران شان که هم اکنون مبارزه ای پرشور را به پیش میبرند، همه اجزاء یک سیاست واحد و انعکاس وحشت رژیم از جنبش انقلابی سرنگونی و خطری است که اول مه امسال برایش در بردارد. بخش های مختلف طبقه کارگر در اول مه باید متحدانه و در صفی پرقدرت ظاهر شوند، بر ضرورت اتحاد کارگران و معلمان تاکید کنند و علیه گرایشاتی که میکوشد تحت لوای "مبارزه صنفی" بخشهای مختلف طبقه ما را پاره پاره کند بایستند. معلمان باید خود را میزبان اول مه ببینند و با

این بر خواستهای بلافصلی نظیر افزایش دستمزدها باید تاکید کرد که میتواند وسیعترین توده های طبقه از کارگران کارخانه تا معلمان و کارگران بخش های خدمات را متحد کند. آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی خواست مهم طبقه کارگر و همه مردم به جان آمده است که در اول مه باید مثل همیشه بر آن تاکید کرد. خواست های مهم دیگری نظیر آزادی تشکل و اعتصاب، آزادی بیان، برابری بی قید و شرط زن و مرد، لغو آپارتاید جنسی، لغو اعدام، جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش، در اجتماعات و قطعنامه های اول مه مورد توجه کارگران بوده است و امسال از اهمیت بیشتری برخوردار است.

اول مه امسال باید گسترده تر از هر سال، تظاهرات و اجتماعات

فراخوان اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه زنده باد اول ماه مه

هم دست به ایجاد تشکلهای خود در محیطهای کارمان بزنیم و.....

این حق ماست که همگام با کارگران سراسر جهان این روز را گرامی بداریم و آنرا به روز اعتراض به همه مشقاتی تبدیل کنیم که نظام سرمایه داری بر ما تحمیل کرده است.

اول ماه مه روز ماست و ما در اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، ضمن گرامیداشت این روز و تبریک پیشاپیش آن به کارگران، معلمان و عموم زحمتکشان و انسانهای برابری طلب، از همه ی آنان در سراسر کشور دعوت میکنیم تا هر جا که هستند از هم اکنون به استقبال این روز بروند و آنرا در صفوفی بهم فشرده، با شکوه تر از هر سال برگزار کنند.

زنده باد اول ماه مه

زنده باد همبستگی کارگری

اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بیکار ۱۳۸۶/۲/۲

www.ettehade.cm

k.ekhradj@gmail.com

به ما تحمیل میکنند، فعالین ما را به دلیل اقدام به گرامیداشت روز جهانیان(اول ماه مه) با اتهامات بی پایه روانه زندان میکنند و از سویی با خشونت میخواهند ما به این زندگی جهنمی تمکین کنیم و صدایمان در نیاید.

کارگران، معلمان و عموم زحمتکشان

اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگر، فرصتی است که طی آن میتوانیم بیش از هر زمان دیگری در کنار هم و در صفوفی متحد خواست ها و مطالبات خود را مطرح کنیم، خواهان افزایش دستمزدها بشویم، آزادی محمود صالحی و معلمان بازداشتی را از زندان بکصد فریاد زنیم، خواهان نظام هماهنگ پرداختها، طبقه بندی مشاغل و بازگشت بکار کلیه کارگرانی شویم که طی سالهای گذشته از کارهای خود اخراج شده اند و با هماهنگی با

نه تنها هیچ پاسخی نگرفت بلکه از سویی بر عمق و دامنه ی فقر و فلاکت ما بشدت افزوده شد و از طرف دیگر اعتراضات برخی مراکز کارگری و معلمان به عنوان بخش مهمی از طبقه ی ما، با خشونت پاسخ داده شد و در پایان سال هم، در حالی که خط فقر چهار صد هزار تومان اعلام شده بود حداقل دستمزد کارگران را مبلغ یکصد و هشتاد و سه هزار تومان به تصویب رساندند.

این زندگی جهنمی شایسته ما نیست، هر زمان که میخواهند ما را اخراج میکنند، هر سال بیش از سال پیش به معیشت ما هجوم برده و سفره خالی ما را خالی تر میکنند، دستمزدهای زیر خط فقر ما را با تاخیر های چندین ماهه می پردازند، اجازه ایجاد تشکل در مراکز کارگری را به ما نمی دهند، طبقه بندی مشاغل اجرا نمیشود، استخدام رسمی رخت بر بسته و هر نوع قراردادی را که دلشان میخواهد



در کنار کوهی از ثروت و نعمت سیمای آن است، یک دنیای وارونه و ضد انسانیت. اول ماه مه روز "نه بزرگ" ما کارگران به این دنیای وارونه است.

کارگران

امسال ما در ایران در حالی به استقبال این روز جهانی میرویم که طی سال گذشته، خواست ها و مطالبات ما در بخشهای مختلف

اول ماه مه روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر در راه است، این روز، روز اعتراض جهانی کارگران به دنیای وارونه ایست که در آن محرومیت تولید کنندگان اصلی ثروت از نعماتی که خود به دست خویش می آفرینند، اساس زندگی اجتماعی انسانهاست. دنیایی که در آن سهم ما کارگران به عنوان تولید کنندگان اصلی همه ی نعمات موجود، چیزی جز فقر و فلاکت پایان ناپذیر نیست و استیصال و درماندگی میلیاردها انسان زحمتکش برای گذران زندگی

زنده باد اول ماه روز جهانی کارگر!

میزگردی در مورد اول ماه مه با، منصور فرزاد، محمد آسنگران، بهمن خانی، ناصر اصغری



ناصر اصغری



بهمن خانی



محمد آسنگران



منصور فرزاد

عبدل گلپریان : ناصر اصغری، منصور فرزاد، محمد آسنگران و بهمن خانی با سلام به شما و ممنونم از اینکه در این میز گرد شرکت کردید. همانطوری که می دونید کمتر از یک هفته به اول مه روز جهانی کارگر نمونده. با اجازه شما از محمد آسنگران شروع می کنم. اولین سؤال من این هست، از آنجا که برگزاری اول مه اکنون دیگر به یک سنت جا افتاده در شهرهای کردستان تبدیل شده است، فکر می کنید کارگران در اول مه ۸۶ امسال، چه حضور متفاوتی از سال گذشته را باید از خود نشان دهند؟

محمد آسنگران : فکر نکنم منظورت از این سؤال آرزوهای ما برای چگونگی به میدان آمدن کارگران باشد. برداشت من از سؤال شما این است که نقش و حضور کارگران در اول مه امسال چه تفاوتی با سالهای قبل میتواند داشته باشد. اگر این برداشت من درست باشد، به همان نسبت که اوضاع سیاسی متفاوت شده است نقش و حضور کارگران هم تفاوتی با سالهای قبل باید داشته باشد. امسال سایه خطر جنگ بر کل جامعه پرو بال کشیده است. مردم نگران شروع جنگی هستند که هست و نیست این جامعه را با خطر نابودی روبرو کند. این مهمترین تفاوت فضای سیاسی امسال با سالهای قبل است. و طبعاً نقش طبقه کارگر و نیروهای انقلابی برای ممانعت از وقوع چنین جنگی، در این اوضاع بسیار حیاتی است. زیرا اولین قدم برای جلوگیری و ممانعت از جنگ، سرنگونی رژیم اسلامی است. باید این بازی شطرنج را به هم زد. اگر ما بتوانیم یک طرف از دو طرف این قطبهای تروریستی را برداریم اولاً بهانه ای برای جنگ نمی ماند دوماً پیروزی مردم عملاً شکست سیاستهای آمریکا و متحدینش هم هست. زیرا آمریکا و متحدینش تنها هنگامی پیروز

میشوند و قدر قدرت دنیا خواهند شد که مردم در صحنه سیاست نباشند. آنها با شکست یکی و مطیع کردن رقبای دیگرشان میخواهند دنیا را مطیع خود کنند. ما نباید اجازه این بازی قدرت را به هر دو طرف این جنگ بدهیم. شعار نه جنگ، نه جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی مناسبتین و انسانیتین جواب به این فضای جنگی است.

علاوه بر این در ایران امسال تعادل قوای متفاوتی نسبت به سال قبل در جریان است. امسال کارگران و مردم چند قدم به جلو آمده و جامعه آگاهانه تر و با اعتماد بنفس بالاتری پا به اول مه میگذازد. جامعه ۱۶ آذر و ۸ مارس سرخ و امیدوار کننده ای را پشت سر گذاشته است. و همین چند روز قبل مبارزات جسورانه دانشجویان، اعتماد به نفس چپ و رادیکالیسم انسانگرا را نشان داد که با موفقیت پیش رفت. همه این فاکتورها از یک طرف و گسترش اعتراضات و مبارزات کارگری و معلمان و تلاش برای متشکل شدن بویژه تشکیل اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار همگی نمونه های نوید بخشی هستند که نشان میدهد کارگران در اول مه امسال میتوانند با قدرت بیشتری تجمعات و مراسمهایشان را برگزار کنند. مهمترین مولفه این است که کارگران و معلمان متحدانه وارد مراسمهای اول مه بشوند و کل چپ جامعه از این حرکت دفاع آگاهانه و عملی بکنند. با توجه به این فاکتورها انتظار معقولی است اگر بگویم امسال این حضور باید وسیع و قدرتمند باشد.

ناصر اصغری: همانطور که اشاره کردید برگزار مراسم اول مه در کردستان، سنت جا افتاده بوده است. اما وضعیت به طور محسوسی فرق کرده است. در چند سال گذشته جنبش کارگری شاهد پیشروی های

در صحنه اعتراضات، با خواسته های پایه ای و توقع بالای مردم، کاری از پیش نخواهد برد. هم اکنون قدرت مانور مردم میدان وسیعتری بخود گرفته و اعتراضات همه جانبه ای در سراسر ایران در جریان است. دستگیری محمود صالحی از رهبران کارگری و فعالین اول ماه مه بمنظور جلوگیری از برگزاری باشکوه اول ماه مه انجام گرفت. اما در عین حال نشاندهنده ترس و وحشت رژیم از تجمع وسیع کارگران، معلمان و اقشار دیگر جامعه است. دستگیری محمود صالحی تحریک گسترده ای در ایران و سراسر جهان برای آزادی او را به دنبال داشت و همه شواهد حاکی از این است که اول ماه مه امسال پر تجمع تر و سراسری تر از هر سال دیگر برگزار خواهد شد.

بهمن خانی: به نظر من کارگران، امسال در موقعیت بسیار مساعدتری نسبت به سالهای گذشته قرار دارند. فاکتورهای زیادی اکنون به نفع کارگران عمل میکنند، جمهوری اسلامی بسیار بیشتر از قبل، چه در بعد بین المللی و چه وضعیت داخلی مورد حمله است اکنون مبارزات اقشار مختلف مردم در ایران، از جمله معلمان، پرستاران و... و همچنین مبارزات کارگران شاغل و بیکار طی سال گذشته و گستردگی و همه جانبه گری و سراسری بودن این مبارزات، کارگران کردستان را هم در موقعیتی قرار داده که با جرات بیشتری، با طرح خواسته های بیشتری به میدان آیند، عرض اندام کنند و تعرظات خود را شروع نمایند. دولت موظف به تامین زندگی کارگران است، دولت موظف به تامین کار و امنیت شغلی برای کارگران است، دولت موظف است به کارگرانی که بیکارند بیمه بیکاری مکفی پرداخت نماید. این خواسته ها از ابتدایی ترین نیازهای هر انسانی است. اما بدست آوردن آنها در حاکمیت دولتهای سرمایه داری بخصوص از نوع جمهوری اسلامی براحتی قابل تحقق نیست، باید این خواسته ها را با اتحاد و متشکل بودن بدست آورد. اول مه امسال مکانی برای ایجاد اتحادهای پایدار و ایجاد تشکل های کارگری از جمله شوراهای کارگری و سازمان دادن مجامع عمومی است.

غیرقابل انکاری، حتی برای پادوهای جمهوری اسلامی نیز بوده است. اگر قبلاً اول ماه مه در سالهای بسته و برای تعداد محدودی برگزار میشد، امروز دیگر نمی شود به آن بسنده و دل خوش کرد. مراسم اول ماه مه در کردستان در سخت ترین شرایط، زیر چکمه های پاسداران در فضای به شدت میلیتاریزه شده، برگزار می شد. اگر قرار است که امروز هم، در شرایطی که جمهوری اسلامی از هر طرفی زیر فشار جنبش های اعتراضی قرار گرفته است، باز به آن شرایط برگردیم، به نظر من ندیدن توازن قواست. کارگران باید با مطالبات مشخص تعرضی و با یک صف عظیم توده ای این روز را در فضای باز و با شکوه تر از یکی دو سال گذشته که به صورت راهپیمائی و برافراشتن پرچمهای سرخ برگزار کردند، برگزار کنند.

منصور فرزاد: همانطوری که محمد آسنگران گفت، من هم فکر می کنم امسال اول ماه مه در شرایط و اوضاع سیاسی متفاوت تری نسبت به سال گذشته در ایران بر گزار خواهد شد زیرا که شرایط مناسب تری در اثر مبارزات روزمره مردم بوجود آمده است. از جنبه دیگری میخوام این را اضافه کنم که در سال گذشته ما شاهد مبارزات و یا بهتر بگویم پیشرویهائی در عرصه های مختلف بودیم. احمدی نژاد که با چهره دفاع از طبقات پائین جامعه و مبارزه با فساد اداری و همچنین بازگشت به دوران یکه تازی حزب الله در دوران اوائل دهه ۶۰ بمیدان آمده بود و در نظر داشت که مردم را بترساند، بعد از مدت کوتاهی ناتوانائی خود و دارودسته اش را در سرکوب مبارزات و عقب راندن خواسته های مردم، آشکارا نشان داد. از همان ابتدا نیز مشخص بود که دولت جدید جمهوری اسلامی با بحرانی که دامنگیر آن شده و بویژه حضور مردم

عبدل گلپریان : اول مه یک روز بین المللی و یک ابزار وجود قدرتمند کارگری و طبقاتی هم تاکیدی برخواست و مطالبات طبقاتی است هم یک گرامیداشت بین المللی. با توجه به این، کارگران در شهرهای کردستان چگونه می توانند این دورا با هم پیش ببرند؟ منظورم اینه که جایگاه یک حضور وسیع و اجتماعی را در خیابانها بر بستر چنین روزی، چگونه باید نشان داد؟

محمد آسنگران: ببینید تمام جریانات چپ اپوزیسیون و خود کارگران و مردم معترض همگی آرزوی اینرا دارند که این حضور وسیع باشد. اما مشکل این است که تنها با آرزوی وسیع برگزار کردن این تجمعات کاری پیش نمیرود. مثل دعای خیر مومنان است. بسیاری از نیروهایی که آرزو و دعای خیر میکنند، گویی قرار نیست راهی نشان بدهند و زحمتی بکشند. زیرا اساساً مشغله شان چیز دیگری و جنبشهای دیگری است.

اما برای ما و فعالین کارگری در ایران و در کردستان سوال به نحو دیگری مطرح است. چه باید بکنیم که امسال تجمعات ما بزرگتر و وسیعتر و گسترده تر باشد. کدام کار، کدام سیاست و کدام اقدامات باید انجام بگیرد؟ ما برای رسیدن به چنین تجمعات وسیعی و برای رسیدن به همه اهداف و استراتژییمان سالها است که کار میکنیم. سازمان میدهیم. مینویسیم و آدمها را قانع میکنیم، نقد میکنیم راه حل نشان میدهیم. طرح و نقشه پیشنهاد میکنیم و برای اجرای آنها شب نخواستی میکنیم و تلاش میکنیم. در پس این تلاشها ما و فعالین کارگری و دیگر فعالین اجتماعی هم نظر و هم تصویر می شویم و به هر نسبتی که این تلاشها به نتیجه رسیده باشد به همان نسبت میتوان در شرایط کنونی تجمعات وسیع یا محدودی داشت. این یک فعالیت همیشگی و جاری است. تنها به یک روز در سال مربوط نیست که یادمان بیفتد کارگر هم روزی دارد و برایش دعای خیر کنیم. کسی که فقط روزهایی از سال یادش بیفتد باید اطلاعاتی بدهد و تکانی بخورد دارد سنت جریانات حاشیه ای و جنبشهای غیر کارگری را به نمایش میگذارد که نباید جایشان گرفت.

طبعاً مواردی که تاکید کردم و ما باید بطور جدی آنها را دنبال کنیم برای اوضاع معینی معنی دارد که اتفاق عجیبی نیفتاده باشد. مثلاً با شروع جنگ میان این دو قطب بسیاری از فاکتورها تغییر خواهند کرد. یا در يك بحران سیاسی همه گیر فاکتورهای دیگری عمل کنند که فراتر از ما و چپ جامعه و تلاشمان برای این سیاستهای مشخص باشد. مثلاً اگر فردا جنگی در ایران برپا بشود و اوضاع بهم بریزد و جریانات قومپرست با حمایت آمریکا بخواهند مردم را به جان هم بیندازند و خط کشیهای قومی و ملی را به مردم تحمیل کنند و رژیم اسلامی و دستجات فاشیستش زندگی مردم را بیش از پیش مورد تعرض قرار دهند، ما هم باید وظایف دیگری را پیش روی خود قرار دهیم آن وقت دیگر متاسفانه این نوع فعالیت کنونی جوابگو نیست. و این یعنی وظایف و سیاست دیگری که بسیار متفاوت با این فعالیتهای کنونی خواهد بود. آن هنگام مثلاً نقش اسلحه و نیروی مسلح میتواند برجسته شود.

ناصر اصغری: کارگران، و بخصوص فعالین کارگری، اگر اخبار یکی دو هفته گذشته را دنبال کرده باشند، متوجه يك نکته میشوند؛ و آن هم اینکه با دستگیری محمود صالحی، انتظارات زیادی از آنها در روز اول مه می رود. آی تی یوسی، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری، در بیانهای که در خصوص دستگیری فعالین اعتراضات اخیر معلمان و محمود صالحی انتشار داده، گفته است که این دستگیریها برای مقابله رژیم با برگزاری اول ماه مه صورت گرفته است. همه، چه در خارج و چه در داخل ایران، انتظار يك اول ماه مه متفاوتتر از گذشته را دارند. این صرفاً از این ناشی نمی شود که گویا امسال تصمیم گرفته ایم، اول مه باشکوهتری برگزار کنیم؛ بلکه اعتراضات کارگری در بحرانهای رژیم ضرب شده و يك چنین انتظار و تحلیلی نتیجه می شود.

امروزه برگزاری اول مه، در يك چنین شرایطی، فقط مسئله برگزاری يك مراسم عادی نیست. برگزاری اول

طبعاً مواردی که تاکید کردم و ما باید بطور جدی آنها را دنبال کنیم برای اوضاع معینی معنی دارد که اتفاق عجیبی نیفتاده باشد. مثلاً با شروع جنگ میان این دو قطب بسیاری از فاکتورها تغییر خواهند کرد. یا در يك بحران سیاسی همه گیر فاکتورهای دیگری عمل کنند که فراتر از ما و چپ جامعه و تلاشمان برای این سیاستهای مشخص باشد. مثلاً اگر فردا جنگی در ایران برپا بشود و اوضاع بهم بریزد و جریانات قومپرست با حمایت آمریکا بخواهند مردم را به جان هم بیندازند و خط کشیهای قومی و ملی را به مردم تحمیل کنند و رژیم اسلامی و دستجات فاشیستش زندگی مردم را بیش از پیش مورد تعرض قرار دهند، ما هم باید وظایف دیگری را پیش روی خود قرار دهیم آن وقت دیگر متاسفانه این نوع فعالیت کنونی جوابگو نیست. و این یعنی وظایف و سیاست دیگری که بسیار متفاوت با این فعالیتهای کنونی خواهد بود. آن هنگام مثلاً نقش اسلحه و نیروی مسلح میتواند برجسته شود.

طبعاً مواردی که تاکید کردم و ما باید بطور جدی آنها را دنبال کنیم برای اوضاع معینی معنی دارد که اتفاق عجیبی نیفتاده باشد. مثلاً با شروع جنگ میان این دو قطب بسیاری از فاکتورها تغییر خواهند کرد. یا در يك بحران سیاسی همه گیر فاکتورهای دیگری عمل کنند که فراتر از ما و چپ جامعه و تلاشمان برای این سیاستهای مشخص باشد. مثلاً اگر فردا جنگی در ایران برپا بشود و اوضاع بهم بریزد و جریانات قومپرست با حمایت آمریکا بخواهند مردم را به جان هم بیندازند و خط کشیهای قومی و ملی را به مردم تحمیل کنند و رژیم اسلامی و دستجات فاشیستش زندگی مردم را بیش از پیش مورد تعرض قرار دهند، ما هم باید وظایف دیگری را پیش روی خود قرار دهیم آن وقت دیگر متاسفانه این نوع فعالیت کنونی جوابگو نیست. و این یعنی وظایف و سیاست دیگری که بسیار متفاوت با این فعالیتهای کنونی خواهد بود. آن هنگام مثلاً نقش اسلحه و نیروی مسلح میتواند برجسته شود.

بهن خانی: اول ماه مه روز کارگران است، روزی است اعلام شده، به رسمیت شناخته شده و در کشورهای زیادی از دنیا به عنوان روز جهانی تثبیت شده است، اگر در کشورهایی چون ایران هنوز به رسمیت شناخته نشده، ناشی از حاکمیت دیکتاتوری است که کارگران را از این حق طبیعی محروم نموده، تحمیل برسمیت شناخته شدن این روز نیز به جمهوری اسلامی، باید در لیست اولویتهای کارگران قرار گیرد. مادام که کارگران در تشکلهای خود، شورا و مجامع عمومی مستقل خودمتشکل نشوند، برگزاری جشن اول مه هم با دشواریهای زیادی پیش خواهد رفت. خود برگزاری اول ماه مه و سازمان یابی و برگزاری آن قبل از هر چیز نیازمند تشکل است، نیازمند همديگر پیدا کردن است، نیازمند اتحاد است.

با اتکا به مکانیزمهای واقعی و اتحاد وسیع و قدرتمند خود کارگران است که می توان این جشن بین المللی کارگری را هرچه قدرتمندتر

برگزار کنند.

عبد گلبریان: اول مه امسال در کردستان، چه شعارها و چه خواستهای معینی را باید به گوش جامعه کارگری خصوصاً و جنبشهای اعتراضی اجتماعی بطور عموم برساند؟ در همین رابطه و قاعدتاً، قطعنامه هایی در این روز از طرف کارگران صادر میشه. فکر می کنید این قطعنامه چه بندهای اساسی را باید مورد تاکید قرار دهد؟

محمد آستگران: خواسته ها و مطالبات زیادی همچنان جواب نگرفته و باید در يك قانون کار و يا دیگر قوانین جاری مملکت رسمیت پیدا کنند. اما تا آن هنگام خواسته ها و مطالباتی عمومی هست که از اولویت بیشتری برخوردارند من تلاش میکنم اهم آنها را این چنین بیان کنم:

حد اقل دستمزد کارگران نباید کمتر از ۶۰۰ هزار تومان باشد. تنها مرجع صلاحیت دار برای تعیین حداقل دستمزد نمایندگان واقعی کارگران هستند. عدم پرداخت به موقع حقوقها باید جرم محسوب شود و حقوقهای معوقه باید فوراً پرداخت شوند. قرارداد های موقت کاری، تعرض به پایه ای ترین حقوق مزد بگیران است. حق انعقاد قرار داد موقت برای کارفرمایان باید قانوناً ممنوع و کلیه قراردادهای موقت به استخدام رسمی تبدیل شوند. تعدیل نیروی کار و اخراج کارگران به هر بهانه ای از جانب کارفرما و دولت جرم محسوب شود و کارگران اخراجی و بیکار باید فوراً به سر کار بازگردند. آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، و آزادی مطبوعات و ایجاد تشکلهای آزاد و مستقل از دولت و کارفرما از حقوق پایه ای شهروندان است. ایجاد اشتغال و بیمه بیکاری مکفی برای افراد بالای ۱۶ سال اعم از زن و مرد با حقوق برابر باید فوراً متحقق شود. برپایی مجامع عمومی کارگری در ساعات و محیط کار باید به رسمیت شناخته شود. هر گونه تهدید، فشار و مزاحمت، تبعید و دستگیری و اخراج کارگران به هر بهانه ای محکوم است. محاکمه معلمین بازداشتی و فعالین کارگری باید فوراً متوقف شود. همه کسانی که به جرم فعالیت سیاسی و صنفی در زندان هستند باید آزاد

شوند. کار کودکان ممنوع و جرم تلقی شود. برخورداری کودکان از محیطی امن و سرشار از شادی و نشاط و امکانات آموزشی، بهداشتی و رفاهی حق کودکان است. از مبارزه معلمان حمایت کنیم و خواستار عملی کردن مطالبات این شریفترین انسانهای جامعه شویم. مسئله نداشتن مسکن و بیخانمانی یکی از بزرگترین معضلات کارگران و اقشار محروم جامعه است داشتن مسکن مناسب حق همه شهروندان است. فضای جنگی در منطقه خاور میانه همه مردم و جامعه جهانی را با نگرانی جدی روبرو کرده است. هیچکدام از طرفین جنگ ما را نمایندگی نمیکند. ما هر نوع جنگ افروزی و جنگ طلبی را محکوم میکنیم. شعار نه جنگ و نه جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی باید با هر زبانی که میتوانیم در جامعه بیان کنیم. زندگی مرفه و انسانی حق مسلم همه شهروندان جامعه است. روز اول مه، روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام شود. برپایی آزادانه تجمعات و مراسمهای مستقل اول مه بدون دخالت دولت حق همه کارگران و مردم است. اینها اهم مطالباتی است که میتواند بر پرچم کارگران در اول مه امسال حک شوند.

ناصر اصغری: باید حتماً آزادی فوری و بدون قید و شرط فعالین اعتراضات اخیر معلمان و آزادی محمود صالحی و همه زندانیان سیاسی دیگر را خواستار شد. آزادی بدون قید و شرط تشکلهای کارگری، لغو قراردادهای موقت، تعیین حداقل دستمزد توسط تشکلهای آزاد کارگری، پرداخت فوری همه دستمزدها و حقوق پرداخت نشده، نه به جنگ و نه به ماجراجویی های خارجی، و دهها خواست و مطالبه دیگر را می شود لیست کرد.

ببینید يك سری مطالبات جایگاه مهمتری در بین مطالبات دیگر را دارند. برای مثال مسئله جنگ يك نگرانی عمومی شده است. کارگران به عنوان صاحبان اصلی و رهبران جامعه باید پیشقدم مبارزه علیه جنگ باشند. به نظر من کارگران باید بطور روشن و صریح مطرح کنند که اگر برای رژیم بمب هسته ای حیاتی است و بدون بمب هسته ای آموزش نمی گذرد، کارگران می توانند بگویند که ما

می توانیم بدون داشتن بمب هسته ای هم جامعه را اداره کنیم و لطفاً بروید کنار تا ببینید چطوری می شود این مسئله را ثابت کرد. مسئله خط فقر و حداقل دستمزدها یکی دیگر از مسائل حیاتی جامعه است. خواست آزادی تشکل کارگری یکی از خواست های همیشگی جنبش کارگری، بخصوص در مراسم اول ماه مه بوده است که نباید کمرنگ بشود.

منصور فرزاد: رژیم جمهوری اسلامی يك پای جنگهای اخیر در دهه های اخیر در جهان بوده است. مبارزه با این رژیم و در عین حال مبارزه با قلدری آشکار غرب، انعکاسی از دفاع از منافع کلیه کارگران و اقشار فرو دست در جهان است. یکی از ویژگی های اول مه امسال می تواند این باشد که کارگران در شهرهای کردستان و ایران با در دست داشتن پرچم دفاع از آزادی، برابری، نه به بمب، نه به جمهوری اسلامی، لغو حجاب اجباری، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بیان و تشکل، جدائی مذهب از دولت و آموزش و پرورش و شعارهای مختلف دیگری در رابطه با افزایش دستمزد و مسکن مناسب و غیره در صدر مبارزات کارگران قرار بگیرند. همچنین تاکید بر شعارهای سوسیالیستی که در موارد بسیاری در اعتراضات کارگران و معلمان بر روی پلاکارتهای بزرگ نقش بسته، از جمله شعارهایی است که اعتراض عمیق اکثریت مردم را نسبت به جامعه نشان میدهد. ویژگی دیگری که در کردستان وجود دارد، وجود احزاب و سازمانهای ناسیونالیستی هستند که در جبهه آمریکا و نظم نوین جهانی قرار دارند. این جریانها با شکست آلترناتیو دولتی که بر تکه تکه کردن مردم بر اساس انتساب آنها به مذهب و ملیت قرار داشت، دچار بحران شده اند. فدرالیسم شعار و سیستم حکومتی که پس از حمله به عراق از طرف غرب به شعار اصلی آنها تبدیل شده بود با ناکامی مواجه شد. این شعار ترجمه منطقه ای سیاست نظم نوین جهانی آمریکا در میان این سازمانها بود. این سیاست در عراق به شکست منجر شد و عملاً سازمانهای طرفدار نظم نوین جهانی و فدرالیسم را با بحران

از صفحه ۴

میزگردی در مورد اول ماه مه . . .

مواجه کرد. از طرفی فدارلیسم در ایران از هیچ پایه ای برخوردار نبود و با اقبالی روبرو نگردید. در نتیجه نتوانست از محدوده سازمانهای مزبور آنطرف تر برود. با این حال این سازمانها با کمک جناحی از رژیم تلاش میکنند که مبارزات مردم را محدود کنند و بمشابه بخشی از سرمایه داری بر علیه خواسته های مشترک مردم فعالیت میکنند و طبق ماهیت شان تلاش دارند، مردم را به ملیت و مذاهب مختلف تقسیم کنند. اما نقش و تاثیر حزب ما بر مبارزات کارگران، طرح مطالبات و خواسته های اکثریت مردم در مراسمها، اعتراضات خیابانی، قطع نامه ها، همه حاکی از این است که جریان اجتماعی، رادیکال و قدرتمند در کردستان وجود دارد که بر هم سرنوشتی اکثریت مردم در سراسر ایران تاکید دارد. شکل و شیوه مبارزه، شعارهای کاملا مشابه با سایر نقاط کشور، بحث از افزایش دستمزد، برابری حق تشکل و بیان و پشتیبانی و حمایت از مبارزات و حقوق کارگران و معلمان در سایر نقاط ایران و بلعکس، حکایت از رد و به حاشیه کشاندن گرایش و جریان قوم پرست و پرو غرب در سراسر ایران است. با این حال در اول ماه مه لازم است که بر این مطالبات و خواسته ها تاکید مجدد شود.

بهمن خانی: محمد آسنگران و منصور فرزاد بطور جامع تری اشاره کردند. من فقط بر چند خواسته کلیدی که کارگران در اول ماه مه باید روی آن تاکید بگذارند اشاره می کنم از جمله:

آزادی داشتن تشکل و تشکیل اجتماعات بدون مزاحمت نیروهای دولتی
آزادی بدون قید و شرط بیان و حق اعتصاب و اعتراض و تظاهرات حقوق حداقل ۶۰ هزار تومان در ماه

بیمه مکفی بیکاری، آزادی همکاران و فعالین کارگری که بدست عوامل جمهوری اسلامی بازداشت شده اند. با بدست آوردن و تحمیل این خواسته ها به دولت، تمامی اینها میتواند راه را جهت بدست آوردن خواسته های دیگر کارگران هموار نمایند.

نشان بدهد و نمونه ای برای کل جنبش کارگری باشد. کسانی مثل شیث امانی و خالد سواری در رهبری این تشکل هستند که در چند سال گذشته اعتراضات موفق کارگری را در سنندج رهبری کرده اند و تا حدودی سمبل مبارزه کارگری بوده اند. البته من نمی خواهم نقش دوستان دیگر را کم ارزش بکنم. صرفا منظورم این است که مجمع عمومی این اتحادیه تشخیص می دهد که اگر این تشکل دورنمایی داشته باشد، نمی تواند از رادیکالیسم کوتاه بیاید. رهبریش را آگاهانه به دست دوستانی داده که گذشته روشنی داشته اند.

اکنون که بحث سر "اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار" است، دوست دارم یک نکته را اشاره کنم. اول ماه مه با تمام اهمیت خودش، فقط یکی از فعالیتهای این اتحادیه می تواند باشد. این تشکل، همچنانکه اشاره کردم، باید نمونه رزمندگی جنبش کارگری باشد. هر جایی که اعتراض کارگری باشد، باید به این تشکل برای رهنمود مراجعه کنند. هر کارگری جدا از موقعیت شغلی اش، باید خودش را جزئی از این اتحادیه بداند. هم به این دلیل که این اتحادیه رزمنده است و هم به این دلیل که فردای روشنی و شغل ثابتی جلوی هیچ کارگری در ایران امروزه نیست.

به اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار باید بیشتر از این و در چهارچوب دیگری پرداخت. فعلا تا آنجا که به ستوال شما مربوط است، تاکید کنم که در شرایط بی تشکلی در ایران، بخصوص در کردستان و شهر سنندج، این اتحادیه کار زیادی را بخصوص در اول ماه مه جلوی خود دارد.

منصور فرزاد: این اتحادیه تازگی شکل گرفته و طبعا مثل هر تشکل نوپای دیگری نقاط قوت، ضعفها و اشتباهات دوران اولیه خود را خواهد داشت. اما تشکیل آن حرکت پجا و مثبتی بود و میتواند ظرفی برای اتحاد کارگران و قدرتمند کردن مبارزات کارگران شود. شرکت فعال این اتحادیه در مراسمهای اول ماه مه امسال بعد از تشکیل آن، اولین حرکت این اتحادیه در سطح اجتماعی است و نفس شرکت فعال این اتحادیه تاثیر زیادی در تثبیت و شناساندن خود در بعد

کارگران، مجامع عمومی، اسلحه کارگران است و امکان تعرض کارگران را فراهم میکند اگر قرار باشد کارگری در جامعه از فشار طاقت فرسایی که در زندگی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به او تحمیل شده است، خلاص شود، چاره ای جز مبارزه متحدانه ندارد.

از همین حالا تبلیغات وسیع جهت برگزاری اول ماه مه، سازماندهی سیاسی و تدارکاتی این روز، مبارزه متحدانه و قاطعانه جهت آزادی رهبران کارگری از جمله محمود صالحی، تنظیم قطعنامه با خواسته های معین که گام بگام فعالیتهای آینده آنها را آسانتر نماید.

عبدل گلبریان: عزیزان با تشکر از شما که در این میزگرد شرکت کردید و به امید یک اول مه با شکوه و قدرتمند. موفق باشید.

* * *

وسیعتری خواهد شد. بویژه اگر این اتحادیه بر خواسته های پایه ای و سراسری کارگران و اقشار محروم جامعه پافشاری کند و موقعیت و هم سرنوشتی کلیه کارگران را تاکید کند، بی شک راه پیشروی خود را هموارتر میکند. فعالین اتحادیه باید شیوه کار و حرکتی را در پیش روی خود قرار دهند که پیوستن کارگران بی کار به آن در ابعاد وسیعی صورت بگیرد. جلب اعتماد کارگران شاغل به اتحادیه، (همچنانکه در نوشته های کتبی به آن اشاره کرده اند) و جلوگیری از بروز اختلاف بین کارگران شاغل و بیکار که همواره از طرف دولت دامن زده میشود، تاکید بر منافع مشترک آنها، یکی از ارکان پایه ای فعالیت اتحادیه است.

بهمن خانی: بدون شک ایجاد اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار گام مهمی در راستای بدست آوردن خواسته های برحق کارگران، تشکل در هر شکل آن بخصوص شوراهای

از صفحه ۸ اول ماه مه روز جهانی . . .

وسیه روزی در بر ندارد معترضیم می خواهیم قواعد و قوانین به وجود آورنده چنین وضعی را بر چینیم. می خواهیم حق اعتراض و تشکل و اعتصاب داشته باشیم و برایش مبارزه میکنیم ما علیه استعمارگران و پلیس و ارتششان قیام میکنیم و پیروز خواهیم شد. استعمارگران باید فریاد انقلابی ما را شنیده باشند اول ماه مه امسال باید غرش انقلابی ما علیه سرمایه و سرمایه داری باشد.

ما به خوبی میدانیم برای رهایی خودمان تمام جامعه را باید آزاد کنیم و به همین دلیل از تمام اعتراضات معلمان زنان دانشجویان و پرستاران و تمامی آنهايي که برای بدست آوردن حقوقشان تلاش میکنند حمایت میکنیم. آنها نیز جز نیروی کارشان چیز دیگری ندارند. صاحب هیچگونه ابزار تولیدی نیستند و به يك معنی همه به يك طبقه تعلق داریم و باید از تمام اعتراضاتی که علیه استثمار و برای آزادی و برابری در جریان است حمایت کنیم. همه ما به يك سرنوشت دچاریم و يك راه حل داریم، آن هم انقلاب و سوسیالیسم است بدین معنی اول ماه مه روز تمام کسانی است که میخواهند وضع موجود را دگرگون کنند. روز آنهايي است که میخواهند آزاد، مرفه و شاد باشند.

روز تمام آنهايي است که نمیخواهند استثمار شوند و به يك معنی اول ماه مه روز آزادیخواهی و برابری طلبی واقعی جامعه و روز نه به استثمار نه به بردگی مزدی نه به سرمایه و سرمایه داری و نه به جنگ و نه به بمب اتم و زنده باد رهایی و سوسیالیسم باید باشد. در این روز هر طور شده باید تجمع و اعتراض سازمان دهیم و خواسته هایمان را با صداد هر چه رساتر و انقلابی تر بیان کنیم طوری که گوش سرمایه داران را کر کند و تن آنها را به لرزه درآورد. اینها عملی و شدنی است اگر همه ما در يك صف و در کنار هم قرار بگیریم. برای چنین روزی باید تلاش کنیم. پراتیک انسانی و تغییر دهند رسیدن به این اهداف را ممکن میکند.

زنده باد اول ماه مه
زنده باد سوسیالیسم

تاریخچه اول ماه مه

محمد امین کمانگر



تشکلهای ویژه خود را ایجاد کند و بامتمدان قبلی خود (بورژوازی) رو در رو وارد مبارزه حاد تری گردد. در آن دورانها رشد سرمایه داری بخصوص بازرگانی بسیار توسعه یافته بود و هم چنین این پدیده نوین، مرکز قدرت اقتصادی در دست عده معدودی را فراهم می ساخت. دو کشور اروپایی یعنی انگلستان و فرانسه در سال ۱۸۰۰ پشرفته ترین و با اهمیت ترین کشورهای اروپا بودند.

اوضاع اقتصادی اروپا و آمریکا داشت سریعاً و وسیعاً پیشرفت می کرد. در سال ۱۸۸۹ در کلیه کشورهای اروپایی و آمریکا صنایع بزرگ ایجاد شده بود و میلیونها دهقانی که از زمین و کاشانه خود بیرون رانده شده بودند نیروی کار خود را در مجتمع های صنعتی عرضه می کردند.

دوران شکوفایی صنایع بزرگ موجب توسعه اعتبارات و بانکها شده بود. دوران کار خانگی بسر آمده بود و اقتصاد کارتلها و تراستها آغاز شده بود. شکوفایی و توسعه عظیم صنعت بزرگ و در عین حال رشد طبقه کارگر با بهره کشی شدید، و مزدهای بسیار نازل و پائین، ساعات کار بسیار طولانی و طاقت فرسا و فقدان هر گونه تامین اجتماعی و غیره همراه بود. در سده نوزدهم پدیده مهاجرت روی داد که میلیونها مهاجر جهت یافتن کار و زندگی بخور و نمیر، سرزمینهای خود را که دیگر قادر به ماندن و زندگی کردن در آن نبودند رها می کردند و سرنوشت خود را بدست شکم گرسنه خود می سپردند و راهی دیار دیگر می شدند.

در چنین شرایطی طبقه کارگر مجبور بود در صدد متشکل شدن و گروه بندیهایی مستقل خود برای دفاع از زندگی و موجودیتش برآید. در این دوران با رشد نظام سرمایه داری جنبشهای کارگری هم پا به پای آن شکل می گرفت. سازمانهای فدراتیو، سندیکاها یا اتحادیه های صنفی را در بر می گرفت.

این تشکلهای اکثرأ غیر قانونی بودند. در آن هنگام احزاب سیاسی هم اعلام موجودیت می کردند که اساس برنامه های آنان حذف بهره

شکوفایی ایده یک روز تعطیل کار بعنوان حرکتی که بتواند ساعات کار کارگران را کاهش دهد برای اولین بار در میان کارگران استرالیا شکوفه زد. کارگران پس از بحث و بررسیهای فراوان در میان خود بر سر اینکه یک روز تمام را به این مسئله اختصاص دهند یا اینکه چه روز مشخصی را تعطیل نمایند مدتها در جدل بودند. بالاخره در سال ۱۸۵۶ تصمیم گرفتند توقف دسته جمعی یک روز کامل کار را با جلسات و تفریحات بعنوان تجلی موافق با هشت ساعت کار در روز سازماندهی کنند.

کارگران ۲۱ آوریل را برای برپایی این جشن تعیین کردند. در ضمن کارگران استرالیایی این روز را فقط برای سال ۱۸۵۶ در نظر گرفته بودند. اما تعطیلی این روز در کارگران آنچنان روحیه شادمانی ایجاد کرد و آنچنان اعتماد بنفسی بر آنها مستولی شد که تصمیم گرفتند هر ساله این جشن را تکرار کنند. آنها نیرو و قدرت خود را عملاً دیده بودند و به آن باور کردند. در نتیجه با شهامت و ایمان بیشتری خواستار تکرار هر ساله آن شدند.

اولین مراکز که این حرکت عظیم کارگران استرالیایی را دنبال کردند حرکت خروشان کارگران آمریکایی بود که روز توقف جهانی کار در اول ماه مه شد. اما چرا؟ و چگونه؟

جایگاه و اهمیت اول ماه مه از خصلت بین المللی و طبقاتی آن ناشی می شود. در یک روز مشخص پروتاریای جهانی دست از کار می کشد و همراه و همصدا علیه بردگی سرمایه در سراسر جهان در مراسمها، میتینگها، تظاهراتها، و بهر شکلی که بتوانند در این رابطه جمع شوند، نظام ضد بشری سرمایه داری را بانی و باعث گرسنگی، فقر و فلاکت و کشتار و دیدری خود و هموناعنان می دانند. مبارزات بی امان و خستگی ناپزیر این طبقه متشکلاً به سال ۱۸۰۰ بر می گردد.

کارگران که قبلاً با بورژوازی لیبرال همکاری کرده و علیه نظام فئودالی مبارزه می کرد پس از دورانی ناچار شد که سازمانها و

و تا ماه آوریل تقریباً ۳۰ هزار کارگر به خواسته های خود جهت ۸ ساعت کار دست یافتند. کارفرمایان به علت اینکه نمی خواستند که سندیکاهارا برسمیت بشناسند از مذاکره با آنها اجتناب می ورزیدند. در سوم ماه مه در سرتاسر آمریکا ۵۰۰۰ اعتصاب روی داد که با شرکت ۳۵۰۰۰۰ کارگر مهر خود را بر حقانیت خود می کوبید.

گسترش این جنبش عادلانه و وسیع انسانی و پیوستن هر چه بیشتر کارگران به آن، باعث ترس و وحشت حکومت شده بود و باعث شد که حکومت طبق سیاست گذشته وحال، دست به حرکتیهای اخلاص گرانه و جنایتکارانه بزند.

در روز اول ماه مه در میلواکی پلیس به تظاهر کنندگان وحشیانه با اسب و سگ (و قاضی !!!) حمله کردند و به سوی آنها آتش گشودند که جمعی ۹ نفر از آنان را کشتند که ۸ نفر از آنان کارگران لهستانی و یک نفر کارگر آلمانی کشته می شوند و چند نفر هم زخمی شدند.

در روز سوم ماه مه در شیکاگو پلیس خصوصی به سوی اعتصاب کنندگان آتش گشود که شش نفر از کارگران را کشتند. این کشتار و جنایت در مقابل کارخانه مک کورمیک روی داد که در آن اعتصاب از ماه فوریه آغاز شده بود و اساساً به ماه مه و جنبش ۸ ساعت کار ربطی نداشت. بعد از این جریان اتحادیه های بسیاری فرا خوان تظاهرات فردا را می دهند و حتی آثارشسته اعلامیه هایی جهت تظاهرات فردای آن روز خونین پخش کردند و در آن از کارگران خواسته بودند که در تظاهرات فردا مسلحانه شرکت کنند. اما فردا تظاهرات به آرامی شروع شد و کسی هم مسلحانه در آن شرکت نکرد. شهر دار شیکاگو هم در این میتینگ حضور داشت اما پس از رفتن او پلیس اخطار داد که هر چه زود ترمیتینگ را تمام کنند یکی از رهبران کارگران بنام سموتل فیلدن پس از سخنرانش به این اخطار پلیس اعتراض می کند در آخر با ۱۷۰ پلیس با سگ و اسب به میتینگ تظاهر کنندگان حمله ور شده در آن هنگام بمبی در میان پلیسها منفجر می شود که در جا دو پلیس کشته می شوند و ۷۰ پلیس دیگر زخمی می گردند که در بیمارستان

شش تن دیگر جان باختند. پلیس به روی تظاهر کنندگان شلیک می کند که چهار نفر دیگر از آنها کشته و دهها نفر زخمی می گردند.

این واقعه سر آغاز سرکوبی بود که در آمریکا شروع شد. دولت در سراسر کشور از محافظ سوسیالیستی گرفته تا آناشستی و سندیکایی وسیعاً شروع به دستگیری کرد و به این شیوه می خواست که اذهان عموم را نسبت به اعتصابیون خدشه دار کند و وانمود کند که آنها انگیزه جنایتکارانه دارند. به این ترتیب بود که شرایط اعتصاب بسیار دشوار گردید و در اکثر موارد کارگران ناچار شدند تا از ادامه مبارزه برحق خود دست بکشند.

این سرکوب تا جایی پیشرفت که کارفرمایان برای انتقام گرفتن از این جنبش انسانی و انقلابی، کارگران خود را اخراج می کردند و کارگران جدیدی را استخدام می نمودند. در آن شرایط تعویض کارگران برای کارفرما با سبیل وسیع ارتش بیکاران و مهاجرین در پی کار، بسیار آسان بود.

جشن ماه مه بعلت سوء قصدی که در شیکاگو انجام گرفت شکست خورد و کارگران به خواسته های خود دست نیافتند. چون دولت آمریکا این واقعه را توطئه بزرگی قلمداد کرده بود، پس برای زهر چشم و انتقام گرفتن از کارگران ورهبران آنان پی کسانی را جریانی بود که آنها را به عنوان عاملان این توطئه معرفی کند. شب بعد از واقعه ماموران انتظامی به دفتر یک روزنامه که پلیس آنرا آناشستی می نامید حمله می کنند و ۸ نفر که از رهبران کارگران بودند در آنجا دستگیر کرده و با خود می برند. محاکمه این عده از ۱۶ ماه مه آغاز می شود و تا ۲۰ اوت ادامه یافت. در ضمن فقط یک نفر از آنان در آن میتینگ حضور داشت.

هیئت منصفه بدون اینکه جرم آنها ثابت شود ۷ نفر را به اعدام محکوم می کند و یکی از آنان را به ۱۵ سال زندان به اعمال شاقه محکوم می کند. این حکم غیر منصفانه و غیر انسانی موجب شد که سندیکاهای نتوانستند سکوت کنند و شوالیه های کار در کنگره خود در شهر ریچموند به این حکم

از صفحه ۶

تاریخچه اول ماه مه

اعتراض کردند. چه در خود آمریکا و چه در کشورهای اروپایی به این حکم غیر منصفانه شدیداً اعتراض شد در نتیجه حکم ۳ نفر از آنان لغو اعلام شد. یکی از آنها در زندان بنام لوئی لینگ که تنها ۲۳ سال داشت به قول پلیس در سلولش خود کشی کرد و ۴ نفر دیگر بنامهای آرت پارسونز، جورج انگل، آگوست سیایز، آلف فیشر در روز جمعه ۱۱ نوامبر سال ۱۸۸۷ معروف به جمعه سیاه در زندان شیکاگو به دار آویخته شدند. در تشییع جنازه آنان ۶ هزار نفر از اهالی شیکاگو شرکت کرده بودند.

شش سال بعد از این جنایت فرماندار جدید ایلینویز بنام جان پیتراکتلد پس از بررسی اسناد و مدارک این محاکمه، احکام مذکور را لغو اعلام کرد و ۳ نفر باقیمانده را بعنوان انسانهای بی گناه آزاد کرد. بدین ترتیب جریان این محاکمه فرمایشی روشن شد وقضات و شاهدان دروغین آن در ملاء عام رسوا شدند.

آری جنبش اول ماه مه سال ۱۸۸۶ که به صورت تظاهراتی عظیم و باشکوه تجلی می کرد مبدا یک حرکت عظیم انسانی بود.

در سال ۱۸۸۸ در کنگره لندن هیئت نمایندگی بلژیک قطعنامه ای پیشنهاد کرد که در آن برای اولین بار فکر بر گذاری یک تظاهرات بین المللی در اولین یکشنبه ماه مه پیش کشیده شده. یکی از نماینده گان کارگران بلژیک بنام انسِل در آن شرایط چنین می گوید:

کنگره ای که ما در آن شرکت کرده ایم نشان می دهد که انترناسیونال وجود دارد و اگر کارگران بخوانند، دوام خواهد یافت. چه باید کرد؟ باید روحیه اشرافی را که هنوز در طبقه کارگر وجود دارد از میان برداشت. چگونه می توان نا آگاهی کارگران را نسبت به اتحادیه ها از میان برد؟

کار ساده ای است. اتحادیه های کارگری انگلستان و آمریکا باید به تمام کارگران نشان دهند که هر جا اتحادیه های صنفی نیرومند تروهر جا که آزادی سیاسی بیش تر است کارگران از وضع بهتری بر خوردارند. هم چنین باید به آنها نشان داد هدف و پرچم کارگران انگلیسی، فرانسوی

قطعنامه مهم تاکید شد که یکی توسط انگلیسی ها پیشنهاد شده بود که بعد از بحث و بررسی زیاد روی اهم نکات آن، رای کامل نیابورد دومی قطعنامه پیشنهادی از طرف نمایندگان فرانسه بود که مورد تأیید اکثریت آرای کنگره قرارگرفت و بتصویب رسید.

آنسل نماینده کارگران بلژیک به قطعنامه پیشنهادی کارگران فرانسه رای مثبت داد و در قسمتی از سخنانش خطاب به کارگران انگلستان چنین گفت. اگر شما خواهان آزادی اقتصادی توام با آزادی سیاسی هستید، با زحمتکشان سایر کشورها متحد شوید زیرا آنها خواستار آنند که طبقه کارگر بر بانکها، برکارخانه ها، بر ارتش و کلا بر جامعه حاکمیت کنند.

کنگره تاریخی ۱۸۸۹ پاریس: انترناسیونال دوم در واقع در سال ۱۸۸۹ در پاریس دو کنگره تشکیل شد که یکی از طرف جناح رفرمیستی جنبش سوسیالیستی فرانسه ترتیب داده شده که تعداد کمی شرکت کننده خارجی در آن بود و این کنگره بیشتر جنبه صنفی مسائل را در بر داشت.

اما کنگره اصلی یا کنگره دوم از طرف جناح انقلابی جنبش سوسیالیستی فرانسه فراخوان داده شده که ۳۹۱ نماینده از ۲۱ کشور جهان در آن شرکت نموده بودند.

در این کنگره انترناسیونالیستی سوسیالیستی پاریس بود که قطعنامه اول ماه مه روز جهانی کارگر بتصویب رسید. لازم به ذکر است که در همین سال تاریخی نمایشگاهی بین المللی در پاریس برگزار می شد. به همین دلیل در مقدمه دستور جلسه کار کنگره جنبش بین المللی کارگری پاریس که قبلاً در هلند تهیه و تنظیم شده بود چنین آمده است:

" طبقه سرمایه دار از صاحبان ثروت و صاحبان قدرت دعوت کرده است که به اینجا بیایند و در این نمایشگاه جهانی حاصل کار زحمتکشانی را تحسین کنند که در میان عظیم ترین ثروتهایی که جامعه بشری تاکنون بخود ندیده محکوم به فقر هستند. ما سوسیالیستها که هدفمان آزادی کار، از میان رفتن مزدوری و ایجاد نظامی است که در

آن همه، صرف نظر از جنس و ملیت، حتی از کار مشترک داشته باشند، در ۱۴ ژوئیه در پاریس با تولید کنندگان وعده ملاقات خواهیم داشت. کارگران همه کشورها متحد شوید "

کنگره بین المللی کارگری سوسیالیستی پاریس با توجه به اینکه: ارتش دائمی یا نیروی مسلح در خدمت طبقه حاکمه نفی هرگونه رژیم دموکراتیک و جمهوری، بازوی نظامی رژیمهای سلطنتی یا اولیگارشی سرمایه داری و وسیله کودتاهای ارتجاعی و سرکوبگر است، با توجه به اینکه ارتش دائمی نتیجه و علت جنگهای تجاوز کارانه و خطر دائمی درگیریهایی بین المللی و ارکان سیاستهای تهاجمی است، این سیاست تهاجمی باید جای خود را به یک سیاست دفاعی و صلح جویانه بدهد و آموزش نظامی و تسلیح مردم جهت حفظ استقلال و آزادی و نه برای غارت و فتوحات استعماری، باید جای ارتش دائمی گردد.

با توجه به این مسئله که ارتش دائمی از طریق هزینه های فزاینده دیون مربوط به جنگ که بوسیله مالیاتها وقرضه ها تأمین می شود، موجب فقر و ویرانی است.

کنگره طرحهای جنگ طلبانه حاکمین را رد می کند، صلح را شرط نخست و آزادی کارگران می داند حذف ارتشهای دائمی و تسلیح عمومی مردم را در خواست می کند.

در جای دیگر می گوید: کنگره بین المللی کارگری سوسیالیستی پاریس، از سازمانهای کارگری و احزاب سوسیالیستی کلیه کشورها دعوت می کند که فوراً دست بکار شوند واز کلیه طرق ممکن (تشکیل جلسات، روزنامه، جمع آوری امضاء، تظاهرات و غیره) دولتهای خود را مجبور سازند که: الف = به کنفرانس بین المللی پاریس که توسط کشور سوئیس پیشنهاد شده پیوندند.

ب = در این کنفرانس از قطعنامه های مصوبه کنگره بین المللی پاریس پشتیبانی کنند. در کلیه کشورهایی که نمایندگان سوسیالیسم وجود دارند، این نمایندگان باید در شوراهای شهری و در مجالس قانون گذاری، مسایل مطروحه در قطعنامه های کنگره

پاریس را مطرح سازند. در کلیه انتخابات چه در انتخابات شورای شهری، چه در انتخابات مجالس قانون گذاری، این قطعنامه ها باید در برنامه کاندیداهای سوسیالیستها گنجانده شود. در رابطه با قوانین بین المللی کار، طرح آن قوانین توسط جمهوری سوئیس پیشنهاد شد، یک کمیسیون اجرایی جهت قطعنامه های کنگره پاریس ایجاد می شود. این کمیسیون دارای پنج عضو است که وظیفه دارد نظرات سازمانهای کارگری و احزاب سوسیالیستی اروپا و آمریکا را راجع به مبنای ضروری حمایت بین المللی از کار، مستقیماً به اطلاع کنفرانس << برن >> برساند. در ضمن به این کمیسیون اختیار داده می شود که کنگره بین المللی کارگری بعدی را دعوت کند. این کنگره در یکی از شهرهای بلژیک یا سوئیس تشکیل خواهد شد که بعداً محل دقیق آن تعیین می گردد. با همکاری احزاب سوسیالیستی که در کنگره پاریس شرکت کرده اند، هفته نامه ای منتشر خواهد شد بنام «هشت ساعت کار» و وظیفه آن متمرکز ساختن اطلاعات راجع به حرکتیهای مربوط به کاهش ساعات کار در کشورهای مختلف خواهد بود. این قطعنامه هم به تصویب رسید.

کنگره موارد زیر را بعنوان اساسی ترین قوانین خواستار شد:

- ۱- محدود کردن ساعات کار به حد اکثر ۸ ساعت برای بزرگ سالان
- ۲- ممنوعیت کار کودکان کمتر از ۱۴ سال، از ۱۴ تا ۱۸ سالگی ساعت کار به ۶ ساعت محدود شود. ۳- حذف شبکاری بجز در رشته هایی که در آن ضرورت باشد.
- ۴- ممنوعیت کار زنان در رشته هایی که بویژه اثر سوء بر ساختمان جسمانی زنان دارد. ۵- حذف کار شبانه زنان و کارگران کمتر از ۱۸ سال. ۶- استراحت ۳۶ ساعت در هفته برای همه کارگران. ۷- ممنوعیت برخی صنایع و برخی روشهای تولید که مضر بحال کارگران است. ۸- لغو چانه زنی در مورد مرزها. ۹- حذف پرداخت مزد جنسی و تعاونیهای کارفرمایی. ۱۰- حذف دفاتر کاریابی. ۱۱- بازرسی از کلیه کارگاهها و مؤسسات صنعتی و حتا کارگاههای خانگی به وسیله بازرسان

ازصفحه ۷

تاریخچه اول ماه مه

دولت که حد اقل نیمی از آنها توسط کارگران انتخاب شده باشند . کنگره همچنین اعلام میدارد که کارگران باید کارگران زن را با حقوق برابر در صفوف خود بپذیرند و براصل، برای کار مساوی مزد مساوی صرف نظر ازجنس و ملیت کارگر پا فشاری کنند. و بر این اصل برای رهایی طبقه کارگر، کنگره اعتقاد دارد که سازمان یافتن زحمتکشان در کلیه سطوح اساسی است در نتیجه خواستار آزادی مطلق اجتماعات است. اول ماه مه ۱۸۹۰ جهت

برگزاری تظاهرات تعیین شد که حول محور دست یابی به ۸ ساعت کار بود. در آن زمان مشخص هیچ کس تصور نمی کرد که در اول ماه مه ۱۸۹۰ چه شوری در دنیا به پا خواهد شد .

در سال ۱۸۹۰ در اول ماه مه در شهرهای آلمان علی رغم تهدیدهای قبلی کارفرمایان هزاران کارگر دست از کار کشیدند و راهی مراسمهای اول مه شدند و در عین حال کارفرمایان هم تهدیدات خود را عملی کردند و یک سری از کارگران را اخراج کردند و در نتیجه این

حرکت اعتصابات دیگری رخ داد که در نیمه ماه مه بندر هامبورگ تماماً فلج شد. در کشورهای دیگر هم وسیعاً کارگران وارد صحنه جنگ علیه بورژوازی شدند.

در استکهلم ۱۰۰۰۰۰ نفر، فقط در بلژیک در منطقه زغال سنگ و آهن از یکصد و ده هزار کارگر ۱۰۰۰۰۰ نفر دست به اعتصاب زدند، در نیویورک ۲۰۰۰۰ نفر، در شیکاگو ۳۵۰۰۰ نفر، در اتریش ۱۵۰۰۰۰ نفر، در تظاهرات مادرید اسپانیا ۲۰۰۰۰ نفر همراه یک هیئت به کاخ نخست وزیر رفتند و قطعنامه کنگره پاریس را به نخست وزیر تحویل دادند ، در هاوانا ۲۰۰۰۰ نفر، در انگلستان بیش از

۴۰۰۰۰۰ نفر، در ایتالیا با وجود اینکه دولت هر گونه تظاهرات را شدیداً ممنوع اعلام کرده بود با وجود این، بخصوص در رم متینگیهایی بر پا گردید و تظاهراتی پراکنده ای هم روی داد . در لهستان هم که آنموقع جزء امپراطوری روسیه بود تظاهراتی پراکنده و کوتاه مدتی روی داد .

در رابطه این اوضاع جهانی فردریک انگلس این رهبر همیشه کبیر طبقه کارگر در اول ماه مه در مانیفست کمونیست چنین می نویسد . " امروز در لحظه ای که این سطور را می نگارم ، پرولتاریای اروپا و آمریکا نیروی خود را که برای اولین بار بصورت ارتش واحدی زیر

پرچم واحدی و بخاطر نزدیکترین هدف واحد گرد آمده است ، سان می بیند . این هدف عبارت است از قانونی کردن هشت ساعت کار طبیعی روزانه که آنرا حتی در سال ۱۸۶۶ کنگره بین الملل در ژنو و سپس بار دیگر کنگره کارگران پاریس در سال ۱۸۸۹ اعلام داشته است. منظره امروز به سرمایه داران ومالکین جهان نشان خواهد داد که پرولتاریای همه کشورها اکنون واقعاً متحد شده اند.

ایکا ش مارکس اکنون زنده بود تا این منظره را می دید ! ف.انگلس لندن اول ماه مه ۱۸۹۰

* * *

تشدید احضار و بازداشت فعالین در شهرهای کردستان

بر اساس اخباری که به کمیته کردستان حزب رسیده است به دنبال بازداشت و زندانی کردن محمود صالحی یکی از فعالین کارگری در شهر سقز، حکم حبس سید جلال حسینی، برهان دیوارگر و محسن حکیمی تایید شد. اتهام نامبردگان دعوت از مردم برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در سال ۱۳۸۳ عنوان شده است. برهان دیوارگر سال قبل ناچار به ترک کشور شد.

پیمان نعمتی دانشجوی دانشگاه آزاد سنندج به دادگاه انقلاب احضار شده است. پیمان نعمتی و جمعی دیگر از فعالین این شهر در جریان مراسم ۸ مارس ۱۳۸۶ در سنندج دستگیر شدند. پس از چند روز بازداشت پیمان با قرار وثیقه آزاد شد. طبق مندرجات احضاریه دادگاه او باید ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۶ در شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی سنندج حاضر شود .

جلسه رسیدگی به اتهامات

اجلال قوامی، تونیا کبودوند و کاوه حسین پناهی از اعضای هیأت تحریریه هفته نامه توقیف شده «پیام مردم» کردستان، در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سنندجی برگزار می شود .

ایرج عبادی سردبیر پیشین دو هفته نامه آسو و کرفتو به دادگاه شعبه اول سنندج احضار شد. این روزنامه نگار برای بار سوم به دادگاه احضار شده است. اتهام نامبرده درج مطالب خلاف واقع علیه جمهوری اسلامی در رابطه با قتل های زنجیره ای در هفته نامه توقیف شده پیام مردم ، عنوان شده است . طبق مندرجات احضاریه دریافتی باید سوم اردیبهشت ۱۳۸۳ خود را به شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سنندج معرفی کند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری احکام صادره، احضار و زندانی کردن این فعالین را شدیداً محکوم میکند و از همه مردم آزادیخواه میخواهد که در مقابل این موج سرکوب بایستند. جمهوری اسلامی با گسترش فضای ترس و وحشت در آستانه روز جهانی کارگر

تلاش میکنند این روز را با محدودیت روبرو کند و مانع برگزاری وسیع و گسترده تجمعات در این ایام شود. همه فعالین کارگری، معلمان، جوانان و زنان و مردم آزادیخواه باید با برگزاری گسترده مراسمهای این روز جواب قاطع و محکمی به این سرکوبگرها بدهند و خواهان آزادی محمود صالحی و خاتمه دادن به این پرونده سازیهای سرکوبگرانه شوند.

کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران
شنبه اول اردیبهشت ۱۳۸۶
۲۱ آوریل ۲۰۰۷

اول ماه مه روز جهانی کارگر را گرامی بداریم

امید سرخ

کارگران! باز هم سالی گذشت و اول ماه مه دیگری آمد، اما انگار فقر، بدبختی و بیکاری و نداری ما پایانی ندارد. هر سال تورم و گرانی بیشتر میشود. قیمت کالاها به صورت سرسام آوری افزایش پیدا میکند. اما تنها کالایی که قیمتش نه تنها افزایش پیدا نکرده است، بلکه روز به روز رو به افول است نیروی کار ما کارگران است. سرمایه داران تا هنگامیکه که نیروی کار ما کارگران را برای انباشت سرمایه لازم دارند با قیمتی ناچیز که خود تعیین میکنند، آن را میخرند. اما همین

قیمت ناچیز را هم در بسیاری موارد نمیپردازند. دستمزدهای ۱۰ ماهه و ۱۲ ماهه و بیشتر به تعویق افتاده ما در ایران به امری عادی تبدیل شده است. زندگیمان را گرو گرفته اند تا دلشان بخواهد استثمارمان میکنند و خلاصه هر بلایی که دوست داشته باشند بر سر ما میاورند و هنگامیکه اعتراض میکنم با سگ و اسب و پلیس و آخوند و قرآن و خدا به سرانمان می آیند و سرکوب را با مجوز خدا انجام میدهند.

ما که حق اعتراض نداریم حق

تشکل نداریم تازه اگر بخواهیم حقمان را ادعا کنیم آن وقت است که زبانمان را میبیرند در سیاهچالهایشان زندانیمان میکنند و حکم های چند سال زندان برایمان صادر میکنند. اما با تمام اینها باید قامت راست کنیم و در مقابل این استثمارگران وحشی وانگلی که خون ما را میمکنند بایستیم، راهی بجز اعتراض و متشکل شدن برای پیروزی وجود ندارد.

ما که غیر از زنجیرهایمان چیزی برای از دست دادن نداریم ناچاریم و باید زنجیرهایمان را بگسلیم و این خونخواران را به عقب برانیم. ما قادریم و باید دست بکار شویم، مگر میخواهیم چند نسل

دیگر از ما نابود شود. امروز آن روزی است که بگوییم بس است. استثمار بس است. ما دیگر تحمل نخواهیم کرد.

صاحبان سرمایه که نه لازم است کار کنند و نه عرق میریزند صاحب همه چیزند. ما که همه کالاها و امکانات مادی برای رفاه و زندگی را تولید میکنیم از همه چیز بی بهره ایم. تازه به این هم راضی نیستند و به هر جا که فکر کنند در آنجا سود هست میروند و ما با همین زندگی مشقت بار وضعمان بدتر هم خواهد شد. آثار زیانبار و هولناک انسانی وگسستن شیرازه اجتماعی جوامع برایشان مفهومی ندارد و روز به روز با کاری که از کرده ما میکشند بر

سرمایه یشان می افزایند و با کار و نیرو و توان ما و سود حاصل از استثمار نیروی کار ما تسهیلات و تسلیحات کشتار جمعی و ویرانگر درست میکنند. و علیه خود هم طبقه هایمان بکار میکشند و جان زنان و کودکان و نوعان بیگانه را میکشند.

اما ما با تمام اینها تسلیم نشده ایم و نباید تسلیم بشویم باید علیه این جانیان قیام کنیم و آنان را با تاج و تخت و عمامه و قرآن و خدایشان به زیر بکشیم. حکومتشان را باید جارو کنیم و خدایان حاکم را باید بر صندلی محکومان قرار دهیم. ما به وضع موجود که چیزی جز بدبختی

صفحه ۵

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!